

گفت و گو با مسعود آب پرور، کارگردان سریال «زخم»

# می خواهیم پلیس ایده آل را ترسیم کنیم



تولیزون: محسن علی‌نژاد

مژده متین | مسعود آب پرور، کارگردانی است که بیش از این او را با سریال های «۱۲۵» (درباره آتش نشانی) و «هوش سیاه» (درباره جرایم رایانه‌ای) می‌شناسیم، البته او دو فیلم سینمایی «ساعت ۲۵» و «قتل آنلاین» را هم در کارنامه هنری اش دارد. اما انگار سریال سازی را بیشتر می‌پسندد و به همین دلیل سریال «۱۲۵» را در ۳ فصل ساخت و سریال «هوش سیاه» را هم که قرار بود در ۴ فصل ساخته شود تا ۲ فصل به روی آنتن برد. مدتی است که او در حال تصویربرداری سریال پلیسی «زخم» با بازی لیلا و تادی، محمد صادقی، برزو ارجمند، امیرنوری و همایون ارشادی برای نیروی انتظامی است و پس از آن هم خیلی زود ساخت سریال جدید دیگری «کایدون» را که قصه آن در فضای امنیتی می‌گذرد، کلید می‌زند. آب پرور علاقه زیادی به ژانر پلیسی دارد و معتقد است به خاطر همین علاقه‌اش بیشتر به دنبال ساخت کارهای پلیسی رفته و در حال حاضر در این راه افتاده است و فعلا قصد ندارد فضای دیگری را تجربه کند. او جزو کارگردان های خوش اخلاقی است که سر صحنه با بازیگرانش آرام صحبت می‌کند و با عوامل پشت دوربین پر خورده خوبی دارد. گفته‌های او در باره سریال «زخم» و علاقه‌اش به ژانر پلیسی را در ادامه می‌خوانید.

که اشتباه کردید، با عذرخواهی و تأمین خسارت‌های طرف دیگر ماجرا همان جا مشکل حل می‌شود و این آمار واقعا خوب است و به نظرم جای تقدیر دارد. خوب است که مردم ما کلاتری‌ها را فقط به عنوان جایی برای حل کردن مشاجرات و درگیری‌ها نشناختند و وجه دیگر کلاتری را جایی برای تعاملات خانوادگی و اجتماعی بدانند و از این نهاد به خوبی استفاده کنند.

**آیا قرار دادن شخصیت پلیس زن در محوریت داستان باعث شده تا سریال تان لطیف تر شود؟**  
بله، حتما همین طور است. ما همه در معرفی سریال «زخم» تا یکید می‌کنیم که آن را صرفا یک سریال پلیسی نبینید. چون زمانی که ژانر پلیسی مطرح می‌شود، انتظاراتی درباره آن کار به وجود می‌آید. این وجه از کلاتری‌ها را معرفی کند و مردم را با کارایی آن آشنا کند تا مردم بدانند که می‌توانند برای مشاوره به این مشاورین در کلاتری‌ها مراجعه کنند. جالب است ما قرار داد، حدود ۱۰ درصد از پرونده‌هایی که طی سال پیش به کلاتری‌ها رسیده، با کمک همین تیم مشاوره و مددکاری حل شده و دستگاه قضایی ما را درگیر نکرده است. این موضوع واقعا قابل توجه است که مشکلات مردم با مذاکره و گفت‌وگو حل شده در همان کلاتری به صلح رسیده‌اند. زمانی که قانون شما را متقاعد کند

**حسن جوهرچی بازیگر میهمان سریال «زخم»**  
**راز و رمزهای**  
**یک متهم پس از تصادف**

می‌شوند و آزار می‌بینند. ولی آب پرور این توری نیست و یادم هست بر سر سریال ۱۲۵ هم این گونه بود. به همین دلیل وقتی این پیشنهاد به من شد، در واقع چشم‌پسته قبولش کردم. مسعود آب پرور و جنس کارش را بسیار دوست دارم و معتقدم این سریال، سریال قابل توجهی خواهد شد.

**یعنی نقش را نخواندید و فقط به خاطر مسعود آب پرور قبولش کردید؟**  
البته نقش را خواندم اما در درجه اول به عنوان یک بازیگر همیشه ۳۲۲ فاکتور برترم خیلی اهمیت دارد. کارگردان را باید دوست داشتیم، تهیه کننده باید حرفه‌ای و خوب باشد، متن هم باید خوب باشد. خوشخانه در سریال «زخم» همه این ۳ فاکتور کنار هم قرار دارند. البته تیم پشت‌صحنه صابردار، فیلمبردار، و... هم تیم خیلی خوبی هستند که به نظرم این صمیمیت پشت دوربین حتما جلوی دوربین هم معلوم خواهد بود.

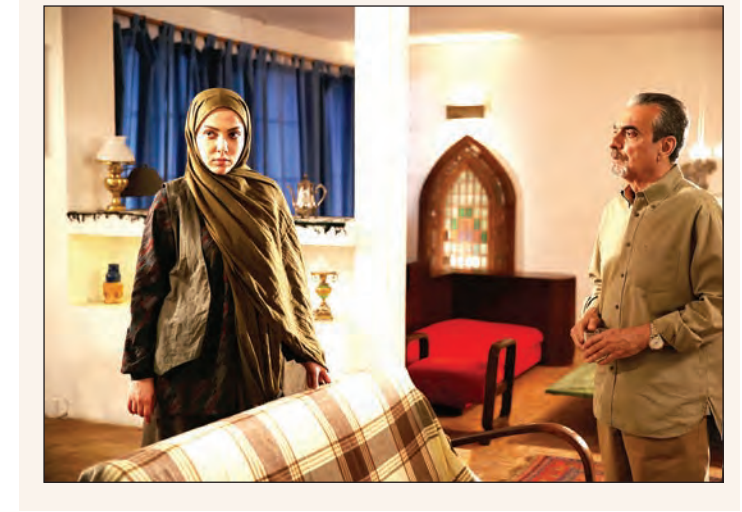
**نقش «هاشم فلاحی» یا به قول خودتان «مرد پر رمز و راز» چه جذابیتهایی برایتان داشت؟ آیا با نقش‌های دیگری که تاکنون بازی کردید، تفاوت دارد؟**

## در ریچه

### رکورددار بازی در نقش پلیس زن

لیلاواتادی | بازیگر

هر بازیگری می‌تواند تعدادی مخاطب جدید در تلویزیون داشته باشد. تعداد مخاطبان تلویزیون بیشتر است و حتی تا ۹۵ درصد از مردم را شامل می‌شود. تعداد کمی از مردم هستند که فرصت دنبال کردن سریال‌های تلویزیون را ندارند اما سینما در مخاطبان نوع کار با تلویزیون تفاوت دارد. خود من همیشه دوست دارم هر دو مدیوم را داشته باشم، برای همین بازی در سریال «زخم» را پذیرفتم. آخرین کارم هم سریال «اشک‌ها و لبخندها» حسن فتحی در شبکه یک بود و بعد از آن فیلمنامه‌ای که نظرم را جلب کند و شرایط حضور من در آن فراهم باشد، وجود نداشت. چند سالی می‌شود که مدام سینمایی کار می‌کنم و تقریباً ۴، ۳ ماهی است که مشغول بازی در سریال «زخم» هستم، برخی از فیلم‌نامه‌ها و کران شدند. حدوداً از یک‌سال پیش، فیلمنامه را در اختیارم گذاشتند و قرار بود در سریال بازی کنم. اما حمای نویسنده آب پرور، به‌عنوان کارگردان، بازنویسی‌هایی روی متن داشتند. بنابراین من از همه موضوعات خبر دارم و ممکن است تنها برخی جزئیات تغییر کند. همایون ارشادی در این سریال نقش پدر مرا بازی می‌کند. آقای پویا معضلات و مشکلاتی در زندگی‌اش داشته و همسرش را نیز از دست داده است. بنابراین، این مسائل اجتماعی در پس زمینه زندگی شخصیتی که بازی می‌کنم هم وجود دارد و درگیر این داستان است. قبل از بازی در این نقش با مباحث‌های واقعی شخصیتی که بازی‌اش می‌کنم، ارتباط داشته، البته پیش از این در سال ۹۲ تله‌فیلم «اسب‌ترب» به کارگردانی مهدی صبغی‌زاده را برای هفته نیروی انتظامی داشتم و آن‌جا هم تقریباً نقش همین بود؛ خودم اسمش را گذاشتم «دکتر پلیس». یعنی افرادی که هم دکتر روانشناس هستند و در این زمینه تخصص دارند و هم به آنها فضای داده شده تا



## زخم بین

### پلیس نقش کلیدی دارد

محمد صادقی | بازیگر

فضای این سریال با سریال‌های پلیسی که قبلاً بازی کردم مثل مجموعه‌های «بی‌صدا فریاد کن» و «خواب و بیدار» به کارگردانی مهدی فخیزاده به کلی تفاوت دارد. در این سریال به ابعاد روانشناختی بیشتر پرداخته می‌شود و تمرکز روی روابط انسانی، مسائل عاطفی و اجتماعی است. به دلیل همین تفاوت فضایی و مضمونی، شخصیت‌ها و روابط‌شان با هم حول همین محور شکل می‌گیرد. زمانی که من برای بار اول فیلمنامه را خواندم، هم نقش سرهنگ را دوست داشتم و هم یکی دو نقش کوتاه دیگر توجهم را جلب کرد و احساس کردم که جای کار زیادی دارد اما تا یکید بر این بود که نقش سرهنگ را بازی کنم. سرهنگ در این سریال تلاش می‌کند تا در جریان داستان اتفاقات را مدیریت کند، وقتی مسائل و تصمیمات به نقطه عطف خود می‌رسند، تصمیمات او نقش کلیدی پیدای می‌کند. من بر این مسئله تأکید داشتم تا زوایای بیشتری از زندگی سرهنگ را ببینیم و این شخصیت فقط به عنوان نماینده‌ای از نیروی انتظامی در قصه حضور نداشته باشد. پلیس در ایران و سایر کشورهای دنیا نقش کلیدی دارد و

بله، من تا به حال لنگه این آدم را بازی نکردم، او شخصیتی بسیار پیچیده‌ای دارد که در جریان قصه در فتره جنبه‌های دیگری را می‌بینیم و بازی کردنش سخت به نظر می‌آید. البته من همه تلاشم را می‌کنم و آقای آب پرور هم خوب راهنمایی می‌کنند.

**همکاری با برزور ارجمند چطور است؟ قبلاً با او بازی داشته‌اید؟**  
ما با هم چند سالکان بازی داریم. البته ۱۰ سال پیش من و برزور در سریال «مشق عشق» با هم کار کردیم، آن سریال برزور ارجمند را خیلی دوست دارم و دوست قدیمی‌ام است و کار کردن با او بسیار راحت است.

**همکاری باقیه بازیگران در این سریال چطور است؟**  
با خانم واتادی تا حالا همکاری نداشته‌ایم، یکی، دوتا از کارهای او را دیده‌ام و به نظرم بازیگر باهوشی می‌آید اما نکته‌ای که وجود دارد بازیگرانی مثل ما که مدت‌هاست کار می‌کنند، بیشتر سعی می‌کنند روی نقش‌شان متمرکز شوند. نمی‌خواهم بگویم بار ترن یا بازیگری که در مقابلت بازی می‌کند مهم نیست، بلکه بسیار هم اهمیت دارد اما همه ما موخیم که در بهترین شرایط کار خودمان را انجام دهیم، ولی طبیعتاً اگر همکاری و همبازی شما آدم مثبت و خوش‌برخوردی باشد که کاری را بلد است، قطعاً حاصل کاروان به‌جسنتی که جلوی دوربین اتفاق می‌افتد درست پیش می‌رود و به دل تماشاگر می‌نشیند. متأسفانه در خیلی از موارد در هم پیش آمده که همکاران کم‌تجربه روی نقش تمرکز زیادی نمی‌گذارند و آن همکاری‌ها اصلاً لذت‌بخش نیست. در کل امیدوارم همکاری من با این بچه‌ها مورد رضایت مردم قرار بگیرد.



بله، امیر دلوری در این سریال نقش پسرعموی الهام پویا را بازی می‌کند که از خرج تازه آمده و دکتری اقتصاد دارد و خواستگار الهام پویاست و علاقه‌ای ندارد که زن آینده‌اش افسر باشد. در واقع ما در این سریال سعی کردیم چالش‌های یک پلیس زن در جامعه و زندگی شخصی‌اش را مطرح کنیم.

**چقدر تلاش کردید تا در این سریال هم مانند دیگر سریال‌هایی که ساخته می‌شود پلیس را مقدس‌مانانه نشان ندهید و شخصیت‌های پلیس را خاکستری ترسیم کنید؟**

ببینید مادر این سریال از زاویه پلیس داریم، به جامعه نگاه می‌کنیم و می‌خواهیم پلیس ایده‌آل را مطرح کنیم. شاید این نکته که شما گفتید وجود داشته باشد اما چون ما از بیرون به آن نگاه نمی‌کنیم تبدیل به یک عارضه نمی‌شود. قصه مادر خود پلیس می‌گذرد و دوربین ما به پلیس می‌چسبیده است. این همین مادر در حال ترسیم یک پلیس آرمانی هستیم تا پلیس جامعه هم با دیدن این سریال یک دریافت‌هایی داشته باشد و بفهمد چطور می‌تواند به یک استانداردهای بالاتری دست پیدا کند.

**آیا طور که در خبرها آمده سریال «زخم» قرار است روایتگر قصه‌های متفاوتی باشد و اپیزودهای متعددی دارد، آیا داستان این قسمت‌ها از واقعیت نشأت می‌گیرد؟**

بله، قصه همه این اپیزودها مبنای واقعی دارند و از روی ماجراهایی که در کلاتری‌ها اتفاق افتاده، برای سریال انتخاب شدند البته این قصه‌ها را آمیخته و نمایشی شده‌اند و چیزهایی به آنها اضافه شده تا جذابیت‌های لازم را برای مخاطب پیدا کنند.

**بعد از این سریال قرار است کار دیگری را کلید بزنید؟**

بله، بلافاصله بعد از این سریال، تصویربرداری سریال «کایدون» را که قصه آن در فضای اطلاعاتی و امنیتی می‌گذرد برای بنیاد روابط به تهیه‌کنندگی محمد صنعتی جلوی دوربین می‌برم. اکنون یک گروه فیلمنامه‌نویسی ۶ نفره مشغول نگارش آن هستند.

**چرا بیشتر به سراغ ساخت فیلم و سریال در ژانر پلیسی می‌روید؟**  
ژانر پلیسی، ژانر مورد علاقه خودم هست و فعلا هم ما را در این راه انداختند و بیشتر از هر پروژه‌ای ساخت کارهای پلیسی به‌من پیشنهاد می‌شود.

لوکیشن اصلی سریال «زخم» دبیرستان دخترانه‌ای است که با طراحی جالبی به شکل یک کلاتری در آمده و اگر شما ساکن آن محله نبوده باشید یا دین این کلاتری اصلاً به ذهن‌تان نمی‌رسد که این جاقیلا یک دبیرستان بوده است. گروه در حال تصویربرداری قسمتی هستند که درباره مردی (با بازی حسن جوهرچی) است که در یک شب با شخص دیگری تصادف می‌کند و آن شخص می‌میرد. با حضور این مرد در کلاتری رازهایی از او برملا می‌شود که اگر آن حادثه رخ نمی‌داد هرگز کسی به رازهای او پی نمی‌برد. کنایون افشاری، زنا، مانیانیا، شاهرودی، شهرزاد کمازاده و حسن جوهرچی بازیگران اصلی این اپیزود هستند که «هنگامه» نام دارد. آخرین ساعات تصویربرداری است و تنها حسن جوهرچی و برزور ارجمند در لوکیشن حاضر هستند، اتاق مدیر مدرسه تبدیل به اتاق سروان شکیبیا با بازی ارجمند شده که متهم با بازی جوهرچی آن‌جا نشسته است. در این صحنه مرد سعی دارد از سروان شکیبیا فرصت بگیرد تا با گوشی همراهش تماس بگیرد و سروان مخالفت می‌کند. جوهرچی گاهی به شوخی می‌گوید: «خسته شدم بقیه‌اش بایم بایم یاد، همه می‌خندند. با این که ساعات پایانی کار است و گروه صبح در حال تصویربرداری بودند همه روحیه خوبی دارند، هم جدی هستند و هم خوش اخلاق. این قسمت از قصه نیاز به چند برداشت مختلف از زوایای متعدد دارد و گروه مجبور هستند نام جای دوربین را عوض کنند. چون اتاق کوچک است، صابردار پشت در اتاق نشسته است. منشی صحنه به کوچکترین جزئیات اهمیت می‌دهد و حواسش حتی به جای انگشت‌های روی تابلو پشت سر هم هست. در فرصتی از برزور ارجمند می‌خواهم که درباره این سریال